

در این مقاله به بررسی نقش اطلاعات در موفقیت کسب‌وکارها پرداخته می‌شود. اطلاعات به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در دنیای امروز شناخته می‌شود. کسب‌وکارها با استفاده از اطلاعات به موقع و دقیق می‌توانند تصمیمات بهتری بگیرند و در بازار رقابتی موفق‌تر عمل کنند. این مقاله به بررسی راه‌های جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و همچنین نحوه استفاده از آن‌ها در کسب‌وکارها می‌پردازد. همچنین به بررسی اهمیت امنیت اطلاعات و روش‌های محافظت از آن‌ها نیز پرداخته می‌شود. در ادامه به بررسی نقش اطلاعات در بازاریابی و فروش و همچنین در مدیریت منابع انسانی و مالی می‌پردازد. در نهایت به بررسی چالش‌های مرتبط با استفاده از اطلاعات و راه‌های حل آن‌ها می‌پردازد.

در دنیای امروز، اطلاعات به یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در کسب‌وکارها تبدیل شده است. کسب‌وکارها با استفاده از اطلاعات به موقع و دقیق می‌توانند تصمیمات بهتری بگیرند و در بازار رقابتی موفق‌تر عمل کنند. این مقاله به بررسی راه‌های جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و همچنین نحوه استفاده از آن‌ها در کسب‌وکارها می‌پردازد. همچنین به بررسی اهمیت امنیت اطلاعات و روش‌های محافظت از آن‌ها نیز پرداخته می‌شود. در ادامه به بررسی نقش اطلاعات در بازاریابی و فروش و همچنین در مدیریت منابع انسانی و مالی می‌پردازد. در نهایت به بررسی چالش‌های مرتبط با استفاده از اطلاعات و راه‌های حل آن‌ها می‌پردازد.

اطلاعات به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در دنیای امروز شناخته می‌شود. کسب‌وکارها با استفاده از اطلاعات به موقع و دقیق می‌توانند تصمیمات بهتری بگیرند و در بازار رقابتی موفق‌تر عمل کنند. این مقاله به بررسی راه‌های جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و همچنین نحوه استفاده از آن‌ها در کسب‌وکارها می‌پردازد. همچنین به بررسی اهمیت امنیت اطلاعات و روش‌های محافظت از آن‌ها نیز پرداخته می‌شود. در ادامه به بررسی نقش اطلاعات در بازاریابی و فروش و همچنین در مدیریت منابع انسانی و مالی می‌پردازد. در نهایت به بررسی چالش‌های مرتبط با استفاده از اطلاعات و راه‌های حل آن‌ها می‌پردازد.

اطلاعات به یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در دنیای امروز شناخته می‌شود. کسب‌وکارها با استفاده از اطلاعات به موقع و دقیق می‌توانند تصمیمات بهتری بگیرند و در بازار رقابتی موفق‌تر عمل کنند. این مقاله به بررسی راه‌های جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و همچنین نحوه استفاده از آن‌ها در کسب‌وکارها می‌پردازد. همچنین به بررسی اهمیت امنیت اطلاعات و روش‌های محافظت از آن‌ها نیز پرداخته می‌شود. در ادامه به بررسی نقش اطلاعات در بازاریابی و فروش و همچنین در مدیریت منابع انسانی و مالی می‌پردازد. در نهایت به بررسی چالش‌های مرتبط با استفاده از اطلاعات و راه‌های حل آن‌ها می‌پردازد.

چکیده

ارائه تعاریفی از اطلاعات و ثروت و نقش حیاتی اطلاعات در مراحل مختلف زندگی از جمله تصمیم‌گیری، تحقیق و توسعه، صنعت و تولید، تعلیم و تربیت، تألیف، و مطالعه سیر موج‌های سه‌گانه آوین تا فلر و مقایسه اطلاعات به‌عنوان عامل ثروت دوره سوم با عامل‌های ثروت دوره اول و دوم (زمین و کارخانه) و ذکر خصوصیات چون عدم محدودیت و فناناپذیری، استفاده و فروش هم‌زمان به چندین نفر، توانایی ایجاد ارزش افزوده در کالاها و خدمات، اشتغال‌زایی، خطر آفرین نبودن، سودآور و درآمدزا بودن تولید و تجارت اطلاعات، نقش اطلاعات، نقش اطلاعات در جهت کاستن هزینه‌ها، دائمی بودن مالکیت آن، ویژگی‌هایی است که برای اطلاعات در مقایسه با عوامل ثروت در دوره‌های قبل مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: اطلاعات، اقتصاد اطلاعات، ثروت، مالکیت.

آیا اطلاعات می‌تواند ثروت محسوب شود؟

مهدی محمدی

آیا اطلاعات می‌تواند ثروت محسوب شود؟

مهدی محمدی^۱

مقدمه

ما در عصر اطلاعات زندگی می‌کنیم و اطلاعات تولید شده در این عصر به قدری زیاد است که ما را با مفاهیمی چون انفجار اطلاعات، آلودگی اطلاعات، و رشد بیش از حد اطلاعات مواجه ساخته است. اما این اطلاعات و پیشرفت‌های علمی و فنی تنش‌ها و فشارهای غیرقابل باوری را نیز بر جوامع امروزی تحمیل می‌کند؛ اما باید عنوان کرد که پیشرفت انسان با آگاهی از دانش بر جا مانده از گذشتگان میسر می‌گردد. دانش انتقال یافته از فرهنگ‌ها و اجتماعات دیرین تحت تأثیر افکار نوین، دانش جدیدی را به وجود می‌آورد. اطلاعات نتیجه پاسخی معنی‌دار به یک انگیزه است که با گذشت زمان تلفیق، ترکیب، و دسته‌بندی شده به دانش خاصی تبدیل می‌گردد. دانش به دست آمده در دوره‌ای از زمان توسط جریانات فکری مختلف به کار رفته و مورد آزمایش قرار می‌گیرد و در صورت موفقیت از این آزمون، به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده، به خرد عمومی تبدیل شده و عنوان میراث بشری به خود می‌گیرد. این میراث در همه زمان‌ها و نزد همه جوامع از اعتبار یکسانی برخوردار نبوده و ارزش آن ممکن است از فرهنگی به فرهنگ دیگر و یا از عصری به عصر دیگر متفاوت باشد و ممکن است در زمان معینی مورد

۱. عضو هیات علمی گروه کتابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و دانشجوی دکتری کتابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
mahdmohammad.203@yahoo.com

تجربه و آزمایش قرار گیرد و پس از تجزیه و تحلیل گسترش یابد و یا در اثر ناتوانی در آزمون از گردونه خارج گردد. لذا اعتبار خرد نزد جوامع گوناگون و اعصار مختلف متأثر از اطلاعات و دانش به دست آمده است.

ترکیب اطلاعات با انرژی، مواد خام و سایر منابع طبیعی، موجب تقویت نیروی جامعه می‌شود. به نظر عده‌ای، اینک سلطه جوامع توسعه یافته بر جوامع کم‌رشد. بیش از آن‌که اقتصادی یا نظامی باشد، اطلاعاتی است و با تولید، سازماندهی و مدیریت و کاربرد اطلاعات است که منافع جوامع توسعه یافته سرشار می‌گردد و فقر و محرومیت مردم جوامع کم‌رشد شدت می‌یابد.

«توسعه» و «اطلاعات» به منزله دو روی یک سکه‌اند. اطلاعات صحیح و به موقع به پیشرفت علمی و فنی کمک کرده و شالوده محکمی را برای اقتصاد ملی فراهم می‌سازد. توفیق یا شکست یک برنامه و استفاده از ثروت‌های ملی یا هدر رفتن آنها به استفاده از اطلاعات بستگی دارد. هر زمان جامعه‌ای در راه توسعه واقعی قدم گذاشته و استقلال سیاسی و اقتصادی و ترقی صنعتی را در برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت خود منظور نموده، وضع اطلاعات نیز پیشرفت چشمگیری یافته و در ارائه خدمات گوناگون و در تمام عرصه‌های فعالیت بشری نقش خود را به خوبی ایفا می‌کند. مثلاً امروزه، کنترل کامپیوتری ترافیک توانسته است به اندازه تعریض راه‌ها مؤثر باشد، چرا که امکان عبور تعداد بیشتری اتومبیل را فراهم آورده است؛ یا از سوی دیگر، نظام‌های اطلاعاتی پزشکی توانسته‌اند زمان انتظار بیماران را در بیمارستان‌ها کوتاه کرده و افزایش تعداد تخت بیمارستان و پزشکان را فراهم سازد.

در عصر اطلاعات و به تعبیر دقیق‌تر، در جامعه اطلاعاتی همه مناسبات بر اطلاعات استوار است و هر شخص، سازمان، ملت، و موجودیتی که بتواند با اطلاعات به صورت برنامه‌ریزی شده و با آینده‌نگری مواجه شود می‌تواند به همان اندازه جایگاه خود را در مجموعه جهانی ارتقاء بخشد. بنابراین، در جغرافیای سیاسی اطلاعات، رتبه، مقام و موقعیت هر واحد سیاسی در گرو میزان دخالت، تأثیرگذاری و ایفای نقش آن واحد، در جریان جهانی اطلاعات است.

تعریف اطلاعات

از اطلاعات تعاریف متفاوتی ارائه گردیده که در این جا با برخی از آنها آشنا می‌شویم:

واژه اطلاعات در زبان لاتینی به شکل "Informatio" به معنای به تصویر در آوردن، آموزش و شکل‌دهی بوده است و در زبان فرانسوی به شکل "Une information" به معنای پردازش و گردآوری حقایق از طریق مطالعات حقوقی است. از دیدگاه علوم انسانی، اطلاعات چیزی است که عامل ارتباط است، چیزی حقیقی، ارزشمند، مفید و کارآست که معمولاً با دانش هم‌تراز می‌گردد. ما در زندگی روزمره پیوسته می‌شنویم که «اطلاعات خوب است»، «اطلاعات بیشتر تر، بهتر است»، «اطلاعات قدرت است»، «اطلاعات ما از دست رفته» و از این قبیل مثال‌ها که نشان‌دهنده وجود اطلاعات است. (حسن‌زاده؛ فتاحی، ۱۳۸۳، ص ۸۵).

اطلاعات به داده‌هایی اطلاق می‌شود که دارای مفهوم خاص بوده و استفاده‌کننده از آن بتواند به سهولت آن را گردآوری، طبقه‌بندی، تلخیص و در مواقع مناسب و ضروری پس از تجزیه و تحلیل و تفسیر مورد بهره‌برداری و استفاده قرار دهد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که اطلاعات شامل داده‌ها، تصاویر متون، استاد و اصوات است که غالباً به نحو پیچیده‌ای درهم تنیده شده و در بافتی با معنی و سازمان‌یافته جای گرفته است و از آن در تصمیم‌گیری استفاده می‌شود (مهدوی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۹).

در دانشنامه کتابداری، اطلاعات به حقیقت یا مفهومی تعبیر شده است که از طریق رسانه‌های اطلاعاتی ارائه می‌گردد (سلطانی، راستین، ۱۳۷۹، ص ۲۰).

به هر حال، با همه این تعاریف، گاه این سؤال به ذهن خطور می‌کند که اساساً چرا اطلاعات دارای ارزش بوده و باید در حفظ و نگهداری آن کوشید؟ در پاسخ باید گفت که اطلاعات تمام عرصه‌های زندگی انسان را تحت تأثیر خود قرار داده است؛ به طوری که بدون آن نمی‌توان هیچ حیاتی را متصور شد، اما برخی از جنبه‌ها در زندگی بیش از سایر جهات متأثر از اطلاعات است که از نمونه‌های بارز آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تصمیم‌گیری

تمام اعمال ارادی نتیجه تصمیماتی است که توسط فرد یا گروه گرفته می‌شود. برخی معتقدند که مدیریت مترادف با تصمیم‌گیری است و برای این‌که قادر به تصمیم‌گیری خردمندانه‌ای باشیم باید از همه حقایق موجود و مشکلات سر راه آگاه باشیم، و برای این منظور باید اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیرنده فراهم باشد تا بتواند

تصمیم بگیرد. تصمیم درست بستگی به دسترسی به اطلاعات صحیح و روزآمد دارد. تصمیم‌گیری در واقع، برنامه‌ریزی برای انجام کار است. اگر بگوییم اطلاعات و تصمیم‌گیری دو روی یک سکه‌اند گزارف نگفته‌ایم، زیرا بدون اطلاعات امکان هیچ‌گونه تصمیم‌گیری نیست؛ بالعکس، بی‌اطلاعی به بی‌تصمیمی می‌انجامد. بی‌تصمیمی امکان هرگونه حرکت و پیشروی را از ما خواهد گرفت.

اگر بپذیریم که اطلاعات را براساس تغییری که در سیستم دریافت‌کننده پدید می‌آورد می‌سنجیم و این تغییر چیزی جز تصمیم‌گیری نیست، می‌توان استنباط کرد که این تصمیم‌گیری است که تعیین می‌کند چه چیز اطلاعات است و چه چیز اطلاعات نیست. هرچه تصمیم پیچیده‌تر و حیاتی‌تر باشد برای تحقق آن نیاز به اطلاعات گسترده‌تر و دقیق‌تری است. زمانی که جامعه برای پیشبرد اهداف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و مانند آن برنامه‌ریزی می‌کند، یعنی تصمیم به انجام حرکتی همه‌جانبه دارد نمی‌تواند بی‌نیاز از اطلاعات جامع برای هر یک از مراحل کار خود باشد (حوی، ۱۳۷۲، ص ۲۱).

در جوامع توسعه نیافته، به علت «فقر اطلاعاتی» و عدم درک اهمیت اطلاعات، تصمیم‌گیری‌ها فقط با اتکا به قدرت و استقلال سیاسی و بدون وجود اطلاعات لازم انجام می‌شود. به عبارت دیگر، در این جوامع، درحالی‌که اکثریت مردم برای گذران زندگی با نیازهای ساده‌ای روبه‌رو هستند، تصمیم‌گیران و مدیران آنها برای اصلاح اقتصاد ملی و توسعه جامعه به اطلاعات پیچیده و روزآمد و مناسب نیاز دارند. متأسفانه بدبختانه، با توجه به پایین بودن میزان دانش افراد این جوامع و فقدان یا کمبود افراد متخصص و کاردان و محدود بودن کانال‌های ارتباطی سریع و عدم دسترسی به اطلاعات لازم و روزآمد، نتیجه چنین مقایسه‌ای کاملاً آشکار است. استقلال سیاسی که به قیمت سنگین به دست آمده، به دلیل عدم امکان کسب استقلال اقتصادی در معرض خطا و حتی نابودی قرار می‌گیرد؛ در واقع، اطلاعات و منابع انسانی اطلاعاتی، در کنار انرژی، مواد خام و سایر منابع طبیعی از عناصر اصلی توسعه جوامع و کلید راهنمای تصمیم‌گیری است. مسئولان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، باید به منابع اطلاعاتی گسترده و سازمان‌یافته و هم‌چنین به روش‌های استفاده از آنها دسترسی داشته باشند. باید اطلاعات زیادی درباره تغییرات پیچیده اجتماعی و فرهنگی که با توسعه سریع همراه است، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. ابزار و

روش‌های تحلیلی که امکان استفاده بهتر از اطلاعات موجود را فراهم می‌آورند در دسترس باشد.

تصمیم‌گیران و مسئولان، در بیش‌تر جوامع توسعه‌نیافته، معمولاً نه آینده‌نگر هستند و نه حتی به قدر کافی از جریانات موجود و نقش اطلاعات در توسعه آگاهند. درحالی‌که آنها باید مرتب در این فکر باشند که مثلاً چه نوع پیشرفتی در جهان می‌تواند به حالشان مفید باشد، از چه راه و چقدر طول می‌کشد تا پیشرفت‌های موردنظر عملی شود، چه چیزی می‌تواند در شمار اولین نشانه‌های تحول به‌شمار رود؟ چگونه و چطور می‌توان فرصت‌های تازه‌ای را فراهم نمود؟ آنها باید تعیین کنند که چه نهادی در داخل یا خارج کشور مسئول مشاهده تغییرات یا پدیدار شدن نشانه‌ها و فرصت‌های تازه است؟ وضع و ذخایر اطلاعاتی کشور چگونه است؟ و چه مرجعی مسئول رسیدگی به آنهاست، چطور مسائل اطلاعاتی ملی با دیگر مسائل داخلی و خارجی کشور ارتباط دارد، زمینه‌های بی‌اطلاعی از وضع موجود مراکز و خدمات اطلاعاتی چیست و برای تقویت یا تدارک آنها چه کارهایی باید انجام شود؟ زیرا توانایی علمی یک کشور کم‌رشد به این بستگی دارد که آنها دریابند که اطلاعات، علم و صنعت برای بسیج درست نیرو و در جهات بقا و رشد در صدر اولویت‌ها قرار دارد (آقابخشی، ۱۳۷۲، ص ۲۰).

باب‌الحوادثی به نقل از حری می‌گوید که «تصمیم‌گیری هنگامی جریان پیدا می‌کند که منبع ارسال‌کننده در قیاس با منبع دریافت‌کننده اطلاعات در سطح بالاتری قرار گیرد و در ساخت نظام دریافت‌کننده دگرگونی ایجاد کند. این دگرگونی در زبان اطلاع‌رسانی به تصمیم‌گیری تعبیر شده است (باب‌الحوادثی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۹) اقتصاددانان نیز بر این نقش اطلاعات تأکید کرده‌اند و یکی از کاربردهای مهم آن را تصمیم‌گیری دانسته‌اند. اگر شرکتی اطلاعات دقیقی از قیمت‌های کالا و خدمات رقبا داشته باشد، خیلی سریع می‌تواند نسبت به تغییر قیمت‌های خود تصمیم بگیرد. اگر این تغییر قیمت به موقع انجام شود شرکت می‌تواند نسبت به رقبایی که اطلاعات آنها از قیمت‌ها به روز نیست برتری داشته و سود بیش‌تری کسب نماید. به این نقش اطلاعات نقش‌های دیگری نیز اضافه می‌شود که ارزش اطلاعات را ارتقاء می‌بخشد. گاه این ارزش به فن‌آوری ارتباطات مربوط می‌شود. امروزه مدیران برای تصمیم‌گیری باید عوامل متعددی را در نظر بگیرند که مستلزم اطلاعات پیش‌تر است.

۲. تحقیق و توسعه

از جنبه‌های مهم و اساسی تحقیقات علمی می‌توان به ثبات و تغییرناپذیری، قابل بررسی بودن، آشکاری، دسترسی به نتایج تحقیقات قبلی اشاره کرد که همه علاقه‌مندان می‌توانند از آنها استفاده نمایند. در کنار جنبه‌های فوق، عواملی چون قابلیت گزارش‌دهی، سهولت ارائه مفاهیم، و بیان ارتباط موضوعی را می‌توان نام برد که در فرآیند ارتباطات و اطلاعات نقش اساسی دارند.

وقتی دانش در هیئتی نظام‌یافته در تبدیل کاربردی منابع وارد شد (از راه اختراع و ابداع یا طراحی اجتماعی)، در آن صورت می‌توان گفت دانش نه به‌عنوان کار، بلکه منبع ارزش است. به عبارت دیگر، در جامعه جدید، دانش کالای اصلی است که در بازار مبادله شده و همان وظیفه‌ای را عهده‌دار هست که در جوامع قبلی کار و سرمایه عهده‌دار بودند.

دسترسی به اطلاعات حق بنیادی هر شهروند است. زیر ساخت اطلاعاتی برای تعامل و یکپارچگی اجتماعی و اقتصادی اهمیت تعیین‌کننده دارد. فواید جامعه اطلاعاتی را نباید به کار و کسب محدود کرد، بلکه این فواید باید در سطح کلان در اختیار جامعه قرار گیرد. انسجام اجتماعی چه در مقیاس ملی و چه جهانی، ایجاب می‌کند که همه شهروندان هر جا که زندگی می‌کنند بتوانند از خدمات اساسی اطلاع‌رسانی با قیمتی در حد بضاعت بهره‌مند شوند (رجایی، ۱۳۸۲؛ ص ۱۸۰).

۳. صنعت و تولید

تولید محرک اصلی تحقیقات علمی به‌شمار می‌رود به‌طوری که نتایج تحقیقات علمی زمینه لازم را برای تولید کالا و توسعه محصولات جدید فراهم می‌آورد. امروزه نوآوری کلید بقای صنعت و رقابت در بازار به‌شمار می‌رود که از طریق دستیابی به آخرین اطلاعات و انتقال آن به فرآیند تولید امکان‌پذیر است.

۴. تعلیم و تربیت

اساس آموزش و پرورش براساس انتقال دانش و اطلاعات استوار شده است که در مراحل اولیه از طریق معلم صورت می‌گرفت، اما در سال‌های اخیر استفاده از روش‌های خودآموزی، مکاتبه‌ای، و استفاده از مواد سمعی و بصری در جهت تقویت نظام‌های

سنتی تعلیم و تربیت استفاده می‌شود. از سویی دیگر، آموزش به تجهیز فردی برای انجام یک شغل کمک می‌کند این فرآیند از انتقال اطلاعات لازم برای به دست آوردن مهارت‌های مورد نیاز برای انجام آن کار فراهم می‌گردد. بیگدلی به نقل از منو^۱ معتقد است که سواد و آموزش و پرورش عموماً به‌عنوان عوامل اصلی تولید اطلاعات علمی و فنی و سایر انواع اطلاعات در نظر گرفته می‌شوند و تحقیقات نشان داده است که همبستگی قوی میان تعداد دانشمندان و مهندسان و تولید کتب علمی و فنی وجود دارد. البته مانع قوی‌تر بر سر راه تولید اطلاعات، بی‌سوادی است که بازدارندهٔ تعداد زیادی از افراد بشر برای تولیدات مکتوب است (بیگدلی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۶).

۵. تألیف و نوشتن

نوشتن صرف‌نظر از ارزشی که برای دیگران دارد رضایت‌خاطر نویسنده را نیز فراهم می‌سازد. نوشتن در عین این‌که خود متأثر از آموزش است بر امر آموزش نیز تأثیر مثبت دارد. تألیف و تحقیق هرچند زیربنای آموزش را تشکیل می‌دهند ولی خمیرمایهٔ اصلی خودش را از تحقیقات و پژوهش‌های قبلی وام می‌گیرد. به عبارت دیگر، نویسندهٔ امروزی پا روی شانه‌های دیروزی‌ها گذاشته و دانش فراهم آمده را یک قدم به جلو هدایت می‌کند. دسترسی به اطلاعات از ابزار اصلی نوشتن به‌شمار می‌رود.

با توجه به توضیحات بالا می‌توان گفت که هیچ فرد یا دولت و یا جامعه‌ای، در عصر فن‌آوری بدون برخورداری از حداقل دانش مقدماتی نمی‌تواند از آنچه که در پیرامون او اتفاق می‌افتد و آنچه که فردای آن در انتظار اوست بی‌خبر باشد. لذا اطلاعات به‌عنوان ابزاری برای آگاهی‌های فردی و اجتماعی ضرورتی اجتماعی است. با توجه به اهمیت اطلاعات در طول زندگی آدمی این سؤال پیش می‌آید که آیا این مادهٔ حیاتی می‌تواند جزء ثروت‌های ملی برای هر کشوری محسوب شود؟ پاسخ به این پرسش ایجاب می‌کند که با مفهوم ثروت و تعاریف ارائه شده از آن آشنا شویم.

تعریف ثروت

به هر چیزی که ارزش تجاری داشته و قابل مبادله با پول یا کالا باشد ثروت گفته

می‌شود که هم می‌تواند دربرگیرنده کالاها و دارایی‌های مالی باشد و هم می‌تواند به هرگونه مهارت موجود، اطلاق گردد. (مؤیدی؛ نوردزی، ۱۳۷۳، «ذیل ثروت»). دارایی زمانی ثروت محسوب می‌شود که در بازار قابل مبادله با دیگر کالاها یا پول باشند. بنابراین تعریف دو نوع ثروت قابل تشخیص است.

الف. ثروت مشهود: همان عوامل سرمایه‌ای یا در حقیقت ثروت مادی است.

ب. ثروت نامشهود یا سرمایه انسانی.

هر نوع ثروتی از یک ویژگی اساسی که قابلیت ایجاد درآمد است برخوردار است. بدین ترتیب، می‌توان گفت که ثروت برای هر شخص یا جامعه‌ای منبع ذخیره محسوب می‌شود.

فرهنگ علوم اجتماعی ثروت را به تملیک مادیات فراوان معنی کرده است که در این تعریف دو مؤلفه اساسی «نفس تملیک مادیات بدون در نظر گرفتن اندازه آن» و «مالکیت بدون در نظر گرفتن مالکیت فردی و جمعی» نهفته است (گولد؛ کولب، ۱۳۷۶، «ذیل ثروت»). با توجه به تعاریف بالا می‌توان نتیجه گرفت که ثروت به مجموعه اقلامی اطلاق می‌گردد که از نظر اقتصادی دارای اهمیت بوده و در مالکیت فرد و یا گروهی از افراد جامعه باشد. برای این‌که کالایی از نظر اقتصادی مهم قلمداد شود لازم است شرایط زیر را دارا باشد:

الف. مفید بودن (توانایی رفع نیازهای انسان را داشتن).

ب. به‌طور بالقوه یا بالفعل قابل مبادله باشد.

ج. انتقال‌پذیر بودن به‌طوری که چه از نظر قانونی و چه از نظر فیزیکی بتوان آن را به دیگری انتقال داد.

د. کمیاب بودن به‌طوری که کالای مورد نظر در مقایسه با نیازها کمیاب باشد.

در دایرةالمعارف اینترنتی ویکی‌پدیا^۱ ثروت به پول، زمین، یا دارایی‌هایی تعریف شده که دارای ارزش مادی بوده و متعلق به فرد یا گروهی اجتماعی است که با تلاش و هزینه‌های فراوان بتوان بدان دست یافت (ویکی‌پدیا، ۲۰۰۷، ذیل ثروت).

همان‌طور که در سطور بالا اشاره شد اعتبار اطلاعات در نظر اشخاص و یا جوامع متفاوت بوده و ممکن است از نظر جامعه‌ای دارای ارزش بوده و از نظر جامعه‌ای دیگر یا

۱. Wikipedia

در عصری دیگر فاقد ارزش قلمداد شود. مفهوم ثروت نیز در میان جوامع و اعصار مختلف مفهومی نسبی به‌شمار می‌رود. به‌طور مثال، در امریکا در ایالت میدوست^۱ داشتن ۵۰۰,۰۰۰ دلار شما را در زمره ثروتمندترین شهروندان منطقه قرار می‌دهد، اما همان میزان در بخش شرقی نیورک سیتی^۲ رقم ناچیزی به‌شمار می‌رود و یا فردی که در افریقای غربی به‌عنوان یک فرد ثروتمند مطرح است ممکن است در جنوب فرانسه ثروتمند تلقی نشود. با در نظر گرفتن این ویژگی سؤال اساسی این است که ویژگی‌های اقتصادی ثروت چیست و کدام ویژگی‌ها کالایی را در زمره ثروت قرار می‌دهد. آیا اطلاعات دارای آن ویژگی‌ها است. پاسخ به این پرسش را با بیان نقش اقتصادی اطلاعات و ویژگی‌های آن آغاز می‌کنیم.

آیا اطلاعات می‌تواند ثروت محسوب شود؟

آلوین تافلر^۳ اندیشه‌مند متفکری است که آثارش توانسته است تحول عظیمی در این حوزه به وجود آورد. وی با تدوین آثار متعدد روند تغییر قدرت و ثروت را نشان می‌دهد. تافلر با انتشار کتاب «شوک آینده»^۴ شهرت یافت. این کتاب مدت‌ها در لیست پرفروش‌ترین کتاب‌های جهان قرار داشت. وی تاکنون پنج اثر تحت عناوین «مدرسه در شهر»^۵، «مصرف‌کنندگان فرهنگ»^۶، «شوک آینده» و «موج سوم»^۷ و «جابه‌جایی در قدرت: دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم»^۸ نگاشته است. وی در کتاب موج سوم تکامل تمدن بشری را در سه مرحله مورد مطالعه قرار داده و هر مرحله‌ای را به موجی تشبیه کرده و سمبلی را برای نشان دادن آن به کار گرفته است. اولین مرحله یا اولین موجی که تمدن بشری پشت سر گذاشته است انقلاب کشاورزی است. بیل و کنگل سمبل آن بوده و هزاران سال نیز طول کشید تا مأموریت خود را به پایان برساند. موج اول از حدود هشت هزار سال قبل از میلاد تا حدود ۱۶۵۰ - ۱۷۵۰ دوم عنان اختیار را به دست گرفت.

موج دوم، یعنی پیدایش تمدن صنعتی، ۳۰۰۰ سال به طول انجامید که ماشین نیز سمبل آن به‌شمار می‌رفت. سال‌ها تمدن صنعتی که حاصل این موج بود بر عرصه گیتی مسلط بوده و با آن به اوج خود رسید.

امروزه، تاریخ با سرعت شتاب‌آلودی در دوران موج سوم به سر می‌برد رایانه به

1. Midwest
2. New York City
3. Alvin Toffler
4. Future Shock
5. The Schoolhouse in the city
6. Culture Consumers
7. The Third Wave
8. Power shift: knowledge wealth and violence at the edge of the 21 century

عنوان نماد این دوره نمایش داده می‌شود. ما انسان‌ها همگی در این لحظه انفجارآمیز به‌طور اتفاقی ساکنان این سیاره هستیم و تمامی آثار موج سوم را در حیات خودمان احساس می‌کنیم. موج سوم با از هم گسستن خانواده‌ها و متزلزل ساختن اقتصاد و فلج کردن سیستم‌های سیاسی و درهم شکستن ارزش‌ها بر همه ما اثر گذاشته است. با این موج همه روابط کهنه قدرت، مزایا، و حقوق نخبگان در خطر افتاده و در عین حال زمینه‌هایی برای جنگ و قدرت فراهم آمده است (تافلر، ۱۳۷۳، ص ۱۶ - ۱۷).

تافلر در کتاب دیگر خودش تحت عنوان «جابه‌جایی در قدرت» سعی دارد اهمیت محوری قدرت را تبیین کرده و نشان دهد که چگونه عناصر سه‌گانه آن «زور»، «پول» و «دانایی» در حیات اقتصادی و سیاسی بشر نقش دارند. هر چند در طول تاریخ اهمیت آنها دگرگون شده ولی هم‌چنان نفوذ خود را در زندگی بشر حفظ کرده‌اند. تافلر معتقد است که در اعصار گذشته زور و پول ابزار اصلی قدرت بودند اما اکنون دانایی است که مهم‌ترین ابزار قدرت را تشکیل می‌دهد؛ و این جابه‌جایی است که تحولات جهان معاصر بر حول آن در حال شکل‌گیری است. وی بر نقش روزافزون دانایی در بازی‌های قدرت اقتصادی تأکید ورزیده و نشان می‌دهد که چگونه ابزارهایی چون پول و زور با دانایی ترکیب می‌شوند و یا چگونه با پیشرفت شتابان تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی پول و زور هر دو بدون دانایی رنگ می‌بازند و با آن جان می‌گیرند و خاطر نشان می‌کند که در دهه‌های آینده نظم نوینی در حال تکوین است که با آنچه می‌شناختیم تفاوت بسیار خواهد داشت. مهم‌ترین ویژگی این نظم نوین، اتکای روزافزون به اطلاعات و دانش و مبادله آن است. وی نتیجه می‌گیرد که باستان‌گرفتن امواج جابه‌جایی قدرت در داخل کشورها و در سطح جهانی، هر سه قدرت بزرگ، اروپا، امریکا، ژاپن با مشکلات بسیاری روبه‌رو خواهند شد و در این میان پیشگامی باکسی است که در دانش و اطلاعات رهبری جهان را در اختیار داشته باشد (تافلر، ۱۳۷۲، ص ۵).

تفاوت دانایی (ابزار قدرت دوره سوم) با ابزارهای قدرت دوره‌های اول و

دوم (زمین و کارخانه‌ها)

یک ویژگی بدیع که تحولات انقلاب اطلاعاتی را از دو انقلاب قبلی متمایز می‌کند آن است که بروز و ظهور آن نتیجه طرح و برنامه خاصی نیست. پیش‌تازان و سردمداران آن همه جایی و هیچ جایی هستند. طبقه تازه و ارباب رایانه به مرز خاصی تعلق ندارند.

از سویی، اگر تولید تمدنی اطلاعاتی به نبوغ، ابتکار، و خلاقیت بشری وابسته است؛ نیروی کار که از یک سو، پایان‌ناپذیر است و از سوی دیگر، برخلاف سرمایه و زمین، معادله جمع جبری صفر بر آن حاکم نیست که نفع یکی زیان دیگری باشد. انتقال و دادوستد اطلاعات موجب افزون شدن خود و بهره‌رسانی به همه افراد درگیر در آن می‌شود.

در عصر جهانی‌شدن، اگر اصطلاحات مارکس را به خدمت بگیریم: «ابزار تولید»، «ارزش مبادله» و «ارزش افزوده» همگی اطلاعات هستند. اگر واحدی، گروهی، جامعه‌ای و ملتی قصد بازیگری داشته باشد باید به ساخت و بازساخت مداوم سرمایه فکری خود بپردازد. جالب است که ثروت برآمده از منابع طبیعی از اختیار و مهار آدمی خارج است؛ یا وجود دارد یا وجود ندارد. درحالی‌که محیط فرهنگی، آموزشی و تربیتی قابل دست‌آموزی است و می‌توان آن را به جهت‌های مختلف سوق داد. به زبان دیگر، در عصر جهانی‌شدن، جمله «دانایی توانایی است» به راستی تحقق یافته است (رجایی، ۱۳۸۲، ص ۱۶).

هر شیوه تولید توسط عنصری تعریف می‌شود که در افزایش بهره‌وری نقش بنیادینی دارد. در توسعه کشاورزی، منبع افزایش مازاد تولید، افزایش‌های کمی نیروی کار و منابع طبیعی (به‌ویژه زمین) در فرآیند تولید و میزان برخورداری از این منابع طبیعی است. در توسعه صنعتی، منبع اصلی بهره‌وری در معرفی منابع جدید انرژی، و در توانایی استفاده غیرمتمرکز از انرژی در سراسر فرایند تولید و توزیع نهفته است. در شیوه نوین توسعه متکی بر اطلاعات، منبع بهره‌وری در تکنولوژی تولید دانش، پردازش اطلاعات، و انتقال نمادها جای دارد. در همه شیوه‌های توسعه مطمئناً دانش و اطلاعات از عناصر مهم است، چون فرآیند تولید همواره بر سطحی از دانش و پردازش اطلاعات استوار است. با این ویژگی، شیوه توسعه اطلاع‌مدار، کار بر روی دانش به‌عنوان منبع اصلی بهره‌وری است (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۴).

از نظر تاریخی وجه تمایز ساختارهای اقتصادی نیمه نخست و نیمه دوم قرن بیستم، انقلاب در تکنولوژی‌های اطلاعات و گسترش آن در همه حوزه‌های فعالیت اجتماعی و اقتصادی، از جمله کمک به ایجاد شالوده‌های اقتصاد جهانی است. از این منظر، دلیل اطلاعاتی بودن جوامع این نیست که در مدل به‌خصوصی از ساختار اجتماعی می‌گنجد، بلکه این سیستم است که سیستم تولید خود را حول محور افزایش بهره‌وری بر مبنای

دانشی استوار کرده که از طریق توسعه و انتشار تکنولوژی اطلاعات و بر آورده ساختن شرایط استفاده از آنها (به‌ویژه منابع انسانی و زیرساخت‌های ارتباطی) میسر می‌گردد (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۵۳).

هیل^۱ با بازگو کردن سخنان ریستون^۲ بانکدار برجسته آمریکایی در انجمن مقاومت آمریکا معتقد است که «در چند دهه گذشته انقلاب اطلاعات منبع بزرگ ثروت را تغییر داده است. امروزه دیگر منبع ثروت، مادی نیست بلکه اطلاعات و دانش به کار رفته در آن ایجاد ارزش می‌کند. جست‌وجوی ثروت در گرو جست‌وجوی اطلاعات و کاربرد آن در تولید است (هیل، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲). بهترین نوع قدرت از کاربردهای دانایی حاصل شده و به سادگی از بین نمی‌رود. با این قدرت نه تنها می‌توان راه خویش را در پیش گرفت بلکه می‌توان هر آنچه را که می‌خواهی انجام داد هرچند که خلاف میل باشد. از دانایی می‌توان برای تنبیه، پاداش و ترغیب و حتی دگرگونی استفاده کرده و حتی می‌توان دشمن را به دوست تبدیل کرد. دانایی، توانایی افزایش چندین برابر قدرت‌های دیگر از جمله زور و ثروت را در درون خود جای داده است. بنابراین نه تنها دانایی فی‌نفسه منبع قدرت است بلکه از عناصر تشکیل دهنده ثروت نیز به‌شمار می‌رود.

ویژگی‌های اقتصادی دانایی و اطلاعات به‌عنوان ثروت

جامعه، «اطلاعات» را به‌عنوان یک کالا و مالکیت آن را در حکم یک دارایی در نظر می‌گیرد. اقتصاددانان تمایل دارند که اطلاعات را به شیوه‌ای یکسان، همانند دارایی‌های فیزیکی حساب کنند؛ ولی هیچ رشته دانشگاهی، یک الگوی پذیرفته شده‌ای را برای چنین طرز تلقی به ما ارائه نداده است. رشته‌های گوناگون علوم به گونه‌ای متفاوت به اطلاعات توجه دارند و نظام‌های قیمت‌گذاری متفاوتی را برای آن در نظر می‌گیرند. اما باید دید که آیا آنها در این کار موفق هستند؟ آیا اطلاعات، عنصری از تجارت شده است؟ در زمان‌های قدیم، کامیابی مبتنی بر معیارهایی چون مال و ثروت، منابع فیزیکی، نگارش، غذا، آتش یا جان پناه بود. امروزه، افراد و حرفه‌هایی موفق و کامیاب هستند که اطلاعات را تحت کنترل خود داشته باشند. ما به خرید و فروش اطلاعات، دست می‌زنیم، گاه به‌وسیله پول و گاه آن را با اطلاعات دیگر مبادله می‌کنیم اما نظریه‌های اقتصادی و حسابداری پذیرفته شده درباره اطلاعات را ارزش می‌نهد. تجارت، اطلاعات

1. Michael W. Hill
2. Wriston

را به‌عنوان یک کالا در نظر می‌گیرد و مالکیت آن را در حکم یک دارایی در نظر می‌گیرد اقتصاددانان، تمایل دارند که با اطلاعات به شیوه‌ای یکسان، همانند دارایی‌های فیزیکی برخورد کنند اما اطلاعات در هر مرحله یا سطح فروشندگان و مشتریان خاص خودش را دارد. جستجوگران اطلاعات ممکن است هزینه بیش‌تری بپردازند و فراهم‌آورندگان اطلاعات ممکن است تخفیف بدهند (فتر، ۱۳۸۲) اما ویژگی‌هایی در این عصر تجاری موجود است که آن را از سایر کالاهای تجاری متمایز می‌کند که برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن عبارت‌اند از:

۱. عدم محدودیت و فن‌انپذیری اطلاعات

دانایی افزون بر انعطاف‌پذیری عظیمش ویژگی‌های دیگری نیز دارد که آن را از منابع سطح پایین قدرت در جهان متمایز می‌کند. زور به سبب همه‌نگرانی‌های عملی، فناپذیر و محدود است و ثروت نیز چنین بوده چرا که هر چیزی را نمی‌توان با پول خرید و حتی پر پول‌ترین کیف‌ها نیز سرانجام خالی می‌شود، اما برعکس دانایی چنین نیست و ما همیشه می‌توانیم دانایی بیش‌تری تولید کنیم.

۲. استفاده و فروش همزمان آن به چندین نفر

دانایی ذاتاً با قوای بدنی و پول متفاوت است، زیرا به‌عنوان یک قاعده، از تفنگی که من استفاده می‌کنم شما همان زمان نمی‌توانید استفاده کنید. اگر شما اسکناسی صد تومانی را خرج کنید من نمی‌توانم همان موقع آن اسکناس را خرج کنم. برعکس، ما می‌توانیم از همان دانش یا اطلاعات خواه به سود خود و یا به ضرر دیگری به‌طور همزمان استفاده کرده و حتی دانایی بیش‌تری نیز تولید کنیم. از سوی دیگر، مخصوصاً در عصر اقتصاد شبکه‌ای، اطلاعاتی که به شخص یا مؤسسه‌ای فروخته می‌شود همان اطلاعات برای استفاده هزاران نفر دیگر از سراسر جهان در روی اینترنت گذاشته می‌شود.

۳. توانایی ایجاد ارزش افزوده در کالاها و خدمات

در جهان اطلاعات تحولی در شرف وقوع است تا عوامل توسعه اقتصادی و تولیدی را تغییر می‌دهد. دانش‌مدار بودن بخش اطلاعات‌رسانی در مقابل کار‌مدار بودن مبنای این

دگرگونی است. در این تغییر، ارزش افزوده بخش فن‌آوری اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد و وقتی فن‌آوری با محصول دیگری ترکیب شود ارزش افزوده خام آن منابع چندین برابر افزایش می‌یابد. امروزه اطلاعات در همهٔ حرفه‌ها به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد و افراد زیادی هستند که کارشان فقط تولید و بهره‌برداری از اطلاعات است و گروهی با ابزار عقیده و مشاوره مبتنی بر اطلاعات به آن ارزش افزوده می‌دهند. خدمات مالی مانند بانکداری، دلالتی سهام، بازاریابی بیمه محصولاتی هستند که آنها را می‌توان از موارد ایجاد ارزش افزوده نام برد. کالاهایی که به آسانی و با هزینه کم قابلیت نقل و انتقال دارند به‌طور بالقوه ارزشمندتر هستند. اطلاعات از قابلیت انتقال بسیار بالا، ارزان و آسان برخوردار است؛ یعنی به راحتی می‌توان آن را تا مقاصد بسیار دور برای نیازمندان ارسال کرد. توزیع منابع اطلاعاتی الکترونیکی در سطح محلی، ملی و جهانی در واقع انتقال آنها در بعد جغرافیایی خاص نیست و جوامع گوناگون می‌توانند از اطلاعات استفاده کنند. همین ویژگی اطلاعات، که موجب تحولات گسترده و مداوم در همهٔ حوزه‌ها شده است، بر ارزش افزوده آن می‌افزاید؛ یعنی یک واحد اطلاعات را می‌توان به مکان‌های مختلف انتقال داد تا مورد استفاده افراد یا سازمان‌ها و حتی جوامع مختلف قرار گیرد.

هم‌چنین، دسترسی به اطلاعات و مصرف آن محدود به یک زمان خاص نیست. این ویژگی، یعنی عدم محدودیت زمانی و امکان بالقوه استفاده از اطلاعات در زمان‌های دیگر از نظر مصرف‌کنندگان آن بسیار با ارزش است. به عبارت دیگر، چنانچه قرار باشد برای استفاده از اطلاعات، همه نیازمندان آن در یک زمان و یک مکان خاص حاضر شوند، این امر از ارزش نسبی اطلاعات می‌کاهد، زیرا تک تک نیازمندان ناچارند در آن زمان خاص، کار خود را ترک کرده و در مکان موردنظر حاضر شوند.

۴. اشتغال‌زایی اطلاعات

رویکرد اقتصادی به نقش روزافزون اطلاعات در فرآیند تولید، توزیع، و مصرف به‌ویژه در زمینه نوآوری و رقابت اشاره دارد. جامعهٔ اطلاعاتی نوع جدیدی از تقسیم کار را مطرح می‌کند و در نتیجه مشاغلی از میان رفته و مشاغل جدیدی پدید می‌آید و البته ساختار اقتصادی ناگزیر خود را با حوزه‌های تازه هماهنگ می‌کند. در این

جوامع، اطلاعات منبعی اقتصادی تلقی می‌شود. سازمان‌ها برای افزایش کارایی خود بر استفاده بیش‌تر از اطلاعات تأکید می‌ورزند تا نوآوری‌ها تقویت گردد، موقعیت اقتصادی و رقابت طلبانه آنها بهبود یابد و سبب ارتقای کیفیت ابزارها و خدمات شود (نشاط، ۱۳۸۲). نگاهی به عملکرد اقتصادی پنج شرکت عمده فعال در فن‌آوری اطلاعاتی - ارتباطی (ICT) مانند ماکروسافت^۱، اینتل^۲، کامپک^۳، دل^۴، و سیسکو^۵ نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۷، این پنج شرکت ۱۲ میلیارد در بازار سهام سرمایه‌گذاری کرده‌اند. مجموع ارزش سرمایه‌های این شرکت‌ها در سال ۱۹۹۷، به ۶۰۰ میلیارد دلار یعنی افزایشی ۵۰ برابر طی کمتر از ۱۰ سال یا رشد سالانه‌ای معادل ۴۵ درصد رسیده است. چنین نرخ رشد سریع، که طی دوره‌ای چنین طولانی ثابت مانده است، در مقایسه با هر فعالیت اقتصادی دیگری کاملاً حائز اهمیت است. اقتصاد اطلاعات نشان می‌دهد که تولید اطلاعات و فن‌آوری اطلاعاتی سهم مهمی از تولید خالص ملی کشورهای پیشرفته را به خود اختصاص می‌دهد. به این اعتبار، اگر سهمی از تولید ناخالص ملی یک جامعه که صرف فعالیت‌های اطلاعاتی می‌شود نسبت به سایر فعالیت‌های اقتصادی بیش‌تر باشد آن جامعه را می‌توان جامعه اطلاعاتی نامید. به‌طور مثال، در ایالات متحده آمریکا سهم فن‌آوری اطلاعاتی در تولید ناخالص با قیمت متغیر از ۴/۹٪ در سال ۱۹۸۵ به ۸/۲٪ در سال ۱۹۹۷ افزایش یافته است (نشاط، ۱۳۸۲، ص ۹۹). توسعه اشتغال در صنایع رفاهی تا حد زیادی سبب افزایش تقاضای اطلاعات می‌گردد؛ به‌عنوان مثال، جهانگردان انتظار دارند وقتی از محلی بازدید می‌کنند از آن محل و چیزهای موجود در آنجا اطلاعات زیادی به دست آورند و استفاده از یک راهنمای توریستی مطلع این هدف را محقق می‌سازد. گفته می‌شود صنعت توریسم از کاربران عمده اطلاعات و سرگرمی به‌شمار می‌رود. علاوه بر این، اکنون ترکیبی از چهار عامل، رایانه، ریزپردازنده، مخابرات، و اطلاعات محور اصلی خلق روش‌های نوین کار و امرار معاش را تشکیل می‌دهند. این چهار پدیده به نوبه خود تأثیر عظیمی بر تولید گذشته و نقش کشاورزی را در مقابل تولید کم می‌کنند. وبستر^۶ به نقل از پورات معتقد است که در دهه ۱۹۶۰، قریب نیمی از نیروی کار آمریکا در بخش اطلاعات مشغول فعالیت بود. رشدی تقریباً ۵۰ درصدی در طول یک قرن که طی آن کار کشاورزی تنزل و مشاغل اطلاعاتی به‌طور گسترده توسعه یافت. وی

1. Microsoft
2. Intel
3. Compact
4. Dell
5. Cisco
6. Frank Webster

یادآوری می‌کند که به وسیله اداره آمار کار ایالات متحده بیش از ۴۰۰ نوع شغل گزارش شده است که در زمینه تولید، پردازش، و یا توزیع اطلاعات دخیل هستند (وبستر، ۱۳۸۴، ص ۷).

۵. خطرآفرین نبودن تولید بیش از حد اطلاعات

براساس قواعد اقتصادی، دو برابر کردن موجودی پول با ثابت نگه داشتن کالاهای موجود موجبات کاهش ارزش پول را فراهم ساخته است، البته این قاعده نه تنها در مورد پول بلکه در خصوص همه کالاهای اقتصادی نیز صادق است. اما اطلاعات از این قاعده مستثنی بوده و با تولید بیش از حد آن نه تنها ارزش آن کاهش نیافته بلکه تقاضا نیز بیش تر خواهد شد. لذا، تولیدکنندگان بدون هرگونه دغدغه‌ای می‌توانند به تولید خود ادامه دهند.

۶. سودآور و درآمدزا بودن تولید و تجارت اطلاعات در مقایسه با سایر تجارت‌ها

با رونق گرفتن پدیده‌های اطلاعاتی، سودآوری تولید و تجارت اطلاعاتی از رشد فزاینده‌ای برخوردار شده است. به طوری که درآمد هفتاد شرکت چندملیتی که به انتقال دانش عملی و فن‌آوری اطلاعاتی می‌پردازند از درآمد کشور کوبا بیش تر می‌باشد. مضافاً بر این‌که آنها برای حفظ موقعیت جهانی خود سعی در ارائه خدمات بهتر و به کارگیری روش‌های بهتر بوده و این امر افزایش درآمد آنها را به دنبال دارد. از نمونه‌های موفق در تجارت اطلاعات می‌توان کشور هند را نام برد. هند از طریق صادرات تکنولوژی اطلاعات در سال ۱۹۹۴ رقمی حدود ۳۷۵ میلیون دلار درآمد داشته که رقم قابل توجهی است و می‌توان آن را با واردات کشور ایران در طول برنامه اول اقتصادی که رقمی در حدود ۷۲۰ میلیون دلار بوده است مقایسه کرد (مدیران و تکنولوژی اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۹). در هند درآمد سالانه در ۱۹۹۵، ۳۴۰ دلار بود، اکثر جمعیت ۹۰۰ میلیون نفری این کشور با کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کرد. در عین حال این کشور میزبان مرکز عمده دریایی تولید نرم‌افزار برای همه کشورهای جهان است. تولید نرم‌افزار در هند در سال ۱۹۹۷، یک صنعت ۲ میلیارد دلاری بوده و ۲۶۰۰۰۰ نفر را تحت استخدام خود داشت. در پنج سال گذشته عواید این صنعت سالانه ۵۰ درصد افزایش داشته است، که

۶۰ درصد این مبالغ درآمدهای حاصل از صادرات بوده است (نشاط، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰). براساس داده‌های واحد آمار کتابداری و اطلاع‌رسانی، درآمد بریتانیا از صنعت اطلاع‌رسانی الکترونیکی در سال ۱۹۹۴ به ۲۸۸۱ میلیون پوند رسید. این رقم با میزان درآمد ایران از طریق فروش نفت در همان سال برابری می‌کند. بی‌تردید این رقم در سال‌های اخیر به میزان زیادی افزایش یافته است. همان منبع آشکار می‌سازد که در همان سال درآمد حاصل از فروش کتاب‌هایی غیرداستانی تنها ۲۰۰۰ میلیون پوند بود (هیل، ۱۳۸۱، ص ۲۶۷). در سال ۱۹۷۸، این کشور حدود نیم میلیارد دلار کتاب آموزشی و نیمه‌آموزشی به خارج صادر کرده است (حری، ۱۳۷۲، ص ۳۰). وبستر به نقل از پورات معتقد است که افزون بر ۴۶ درصد از تولید ناخالص ملی ایالات متحده مدیون بخش اطلاعاتی است، که در آن تولیدکنندگان متعدد دولتی و خصوصی به ارائه خدمات اطلاعاتی مشغول هستند (وبستر، ۱۳۸۴۷ ص ۵). برخی مؤسسه‌های فهرست‌نویسی و بنگاه‌های اطلاعات کتاب‌شناختی دست به سرمایه‌گذاری برای ایجاد پایگاه‌های بزرگ اطلاعات کتاب‌شناختی زده و امکان نسخه‌برداری و انتقال رکوردهای موردنظر سایر کتابخانه‌ها را فراهم کرده‌اند. به عبارت دیگر، با صرف هزینه‌ی مشخصی برای هر رکورد، امکان فروش نسخه‌های آن رکورد به دفعات نامحدود (به هزاران کتابخانه) را فراهم کرده‌اند که نه تنها سرمایه صرف شده برای خرید پیشینه‌ها و پشتیبانی نظام را برمی‌گرداند بلکه ارزش افزوده برای بانک اطلاعاتی خود ایجاد می‌کند. مثلاً مؤسسه او. سی. ال. سی.^۱ هر پیشینه حاصل از فهرست‌نویسی بنیادی را که از کتابخانه‌های عضو خود به قیمت مثلاً ۱۱ دلار خریداری می‌کند بعداً به قیمت کمتر اما در تعداد بسیار بیش‌تر به کتابخانه‌های دیگر می‌فروشد و سود قابل ملاحظه‌ای کسب می‌کند. این مؤسسه از بابت فروش و بازفروش پیشینه‌های موجود در پایگاه خود، در طول ۱۰ سال (۱۹۸۸-۱۹۸۸) بیش از ۴۸۶ میلیون دلار سود به دست آورده است (فتاحی، ۱۳۸۲، ص ۱۶).

۷. اطلاعات به‌عنوان ماده اولیه در جهت کاستن هزینه‌ها

اطلاعات به‌عنوان منبع اقتصادی موجبات سردرگمی اقتصاددانان را فراهم ساخته است. اطلاعات، تنها منبعی است که افزایش استفاده از آن کاهش دیگر هزینه‌ها را به دنبال دارد.

اطلاعات ممکن است برای تولیدکنندگان گران تمام شود اما برخلاف شکل فیزیکی آن میزان مصرف آن در دیگر کالاها کاهش هزینه‌ها را به دنبال دارد (کلارک^۱، ۲۰۰۱، ص ۱۹۰). استفاده از اطلاعات و توان به کارگیری آن، امروزه به‌عنوان ماده خام و اولیه در انجام هر کاری یا ساختن هر چیزی عنصر ضروری به‌شمار می‌رود. توانایی بهره‌گیری از آخرین یافته‌های علمی نه تنها موجب افزایش کارایی و بهبود خدمات شده بلکه کاهش هزینه‌ها را نیز به دنبال دارد.

۸. عدم محدودیت و دائمی بودن مالکیت اطلاعات

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های خشونت و ثروت (به‌عنوان عوامل ثروت دو دوره قبلی) با دانایی و اطلاعات به‌عنوان عامل ثروت دوره سوم در این است که کشورها یا افراد قوی فقط می‌توانستند مالک زور و ثروت باشند اما ویژگی انقلابی دانایی است که حتی ضعیف‌ترین و فقیرترین افراد هم می‌توانند آن را به چنگ آورده و مالک آن باشند. از سوی دیگر، اطلاعات از دیدگاه اقتصادی کالایی است که قوانین خرید و فروش آن از قوانین خرید و فروش کالاها سر باز زده و از قوانین خاص خود پیروی می‌کند. امروزه فروشندۀ اطلاعات علی‌رغم فروش محصول خود هنوز مالکیت آن را نیز داراست. این ویژگی اصل اول مالکیت محصول را نفی می‌کند.

۹. عامل تولیدی بودن اطلاعات

ارزش‌ها در اقتصاد دانش با اقتصاد سنتی تفاوت دارد و سمت و سوی آن به سمت دارایی معنوی و به کارگیری دانش در تولیدات و خدمات است و بخش عمده‌ای از بازده اقتصادی آن به میزان و نوع دانش و اطلاعات در فرآیند تولید بستگی دارد. نتایج مطالعات اخیر OECD نشان می‌دهد که بیش از نیمی از تولیدات ناخالص ملی حاصل دانش است. این امر شامل تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، کامپیوتر، نرم‌افزار، آموزش و پرورش و تلویزیون و مانند آن است. صنایع دارای تکنولوژی‌های پیشرفته طی دو دهه گذشته دو برابر شده است که تقریباً ۲۵ درصد تولید ناخالص ملی است. خدمات دانش‌مدار حتی سریع‌تر رشد کرده‌اند. این مهم تنها وقتی امکان‌پذیر است که

1. Clark

سازمان به‌طور مستمر ظرفیت خود را افزایش دهد و از طریق توسعه دانش فردی فضای لازم برای یادگیری گروه و در نتیجه، یادگیری سازمانی را فراهم سازد و آن را در جهت خلق تکنولوژی جدید و ایجاد مزیت رقابتی به کار گیرد. در اقتصاد صنعتی، منابع طبیعی، ثروت‌های خدادادی، و امکانات فیزیکی عوامل اساسی تولید ثروت تلقی می‌شود؛ در حالی که در اقتصاد جدید دانش، یادگیری، فن‌آوری و قابلیت‌های محوری عوامل اصلی تولید و ثروت و رفاه جامعه هستند (قدیریان، ۱۳۸۳، ص ۲۰۰-۲۰۱). این خصوصیات از آن‌جا ناشی شده که اطلاعات عامل تولید دانش و دانش نیز به نوبه خود عامل تولید فن‌آوری به‌شمار می‌رود. پیتر دراکر^۱ مدرس امریکایی در سال ۱۹۶۸، خاطر نشان کرد که نیمی از دلارهای اقتصاد امریکا از طریق تولید و اشاعه اطلاعات به دست آمده است. وی یادآوری می‌کند که امروزه دانش به‌عنوان مهم‌ترین عامل تولید در اقتصاد کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته تبدیل شده است. علاوه بر تحقیق دراکر تحقیقات دیگری نیز این موضوع را تأیید می‌کند. به‌طور مثال، پورات نشان داد که نیمی از تولید ناخالص ملی امریکا از طریق تولید، پردازش و توزیع خدمات و کالاهای اطلاعاتی حاصل شده است. بوتلو محقق برزیلی نیز در پایان‌نامه خود از اطلاعات به‌عنوان پارامتر اصلی در ارزیابی مراحل توسعه کشورهای یاد می‌کند (بوتلو؛ دو آمارال؛ باتیستا، ۱۳۸۰).

نتیجه‌گیری کلی

اطلاعات را می‌توان کالایی اقتصادی دانست که به یک محصول خام محلی محدود نشده و همراه با خدماتی چون رایانه‌ای کردن در خدمت رفاه عمومی به کار گرفته می‌شود. از اطلاعات باید به‌عنوان یکی از عوامل اصلی جهش به جلو و دگرگونی واقعی جامعه هوشمند نام برد.

مآخذ

آقابخشی، علی (۱۳۷۲). اطلاعات و فقر اطلاعات. فصلنامه اطلاع‌رسانی، ۱۰، ۱. بهار.
باب‌الحوادثی، فهیمه (۱۳۸۳). نقش اطلاعات در اقتصاد. اطلاع‌شناسی، ۱، ۴. تابستان:

۱۶۷-۱۸۰.

- بوتلو، ت. م؛ دوآمارال، س. آ؛ باتیستا، س. جی (۱۳۸۰). «جامعه برزیل و اطلاعات» ترجمه عباس گیلوری. چهل و هشتمین کنگره فید (گزیده مقالات). زیر نظر حسین غریبی. به همت ملوک السادات بهشتی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک ایران.
- بیگدلی، زاهد. (۱۳۷۶). موانع موجود در راه تبادل اطلاعات و دسترسی به اطلاعات علمی و فنی در کشورهای در حال رشد. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳، ۴، ص ۹۳-۱۱۷.
- نافله، آلوین (۱۳۷۲). جابه‌جایی در قدرت: دانی، ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم. ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: شهیندخت خوارزمی.
- نافله، آلوین (۱۳۷۳). موج سوم. ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: شهیندخت خوارزمی.
- حری، عباس (۱۳۷۲). مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی. تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور.
- حسن‌زاده، محمد؛ فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۸۲). جریان جهانی اطلاعات و چشم‌انداز ملی ما. فصلنامه کتاب، ۱۵، ۲، تابستان: ۸۳-۹۵.
- رجایی، فرهنگ. (۱۳۸۲). پدیده جهانی شدن: وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی. ترجمه عبدالحسین آذونگ. تهران: آگاه.
- سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین (۱۳۷۹). دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی. تهران: فرهنگ معاصر.
- فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۸۲). «تحلیلی بر ارزش افزوده اطلاعات و نظام‌های اطلاعاتی». کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۶، ۲، (تابستان): ۱-۲۸.
- فتر، آدری (۱۳۸۲). ارزش‌گذاری اطلاعات. ترجمه امیر اصنافی. مجله الکترونیکی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱، ۲: قابل دسترسی در {WWW.irando.ac.ir | ۸۴/۱۱/۵}
- قدیریان، عباسعلی. (۱۳۸۳). اقتصاد الگوهای رهبری سازمان و ضرورت‌های نوین آموزشی. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۰، ۱-۲ (بهار و تابستان): ۱۹۹-۲۱۹.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ. ترجمه احد علیقلیان؛ افشین خاکباز. تهران: طرح نو.
- «مدیران و تکنولوژی اطلاعات» (۱۳۷۲). تدبیر، ۶ (آبان): ۱-۶.
- مهدوی، محمدتقی (۱۳۷۹). تکنولوژی اطلاعات و اطلاعات تکنولوژی. تهران: نشر چاپار.

آیا اطلاعات می‌تواند ثروت محسوب شود؟ | مهدی محمدی

نشاط. نرگس (۱۳۸۲). جوامع اطلاعاتی و تزلزل حق مؤلف. کتابداری و اطلاع‌رسانی، س ششم. ۱ (بهار): ۹۵-۱۰۷.

ویستر، فرانک (۱۳۸۴). «اطلاعات و اندیشه جامعه اطلاعاتی: جامعه مبتنی بر اطلاعات» ترجمه بهزاد دوران، گودرز میرانی. مجله الکترونیکی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. ۱، ۲.

هیل، مایکل (۱۳۸۱). تأثیر اطلاعات بر جامعه: بررسی ماهیت ارزش و کاربرد اطلاعات. ترجمه محسن نوکاریزی، تهران: نشر چاپار.

Clark, Thomas (2001). "The Knowledge economy". *Education and Training*, Vol. 43, No 4-5, pp. 189-196. [online] Available: www.emeraldinsight.com

"wealth". Wikipedia: The Free Encyclopedia. [online] available at: WW.en.wikipedia.org.

